

# امکان یا عدم امکان کشف احکام سیاسی از قرآن در نگاه فقها

سید محسن آل سید غفور\*

تعمق و ژرف نگری در متون و کتب آسمانی به منظور دستیابی به قوانین زمینی از دیر باز مناقشات فکری متعارضی را برانگیخته است. این مناقشه در اسلام بین عقلگرایان و نقلگرایان رخ نموده است. گروهی (نقلگرایان) مدعی اند توجه و خطاب قرآن صرفاً متوجه پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام است، از این رو عقول غیر معصوم، توان استنباط احکام از قرآن را ندارند. از سوی دیگر گروهی (عقلگرایان) معتقدند قرآن برای راهنمایی بشر نازل شده است، از این رو فقها و متخصصان قادرند احکام فردی و اجتماعی را از آن استنباط کنند.

## مقدمه

تعمق و ژرف نگری در متون و کتب آسمانی به منظور دستیابی به قوانین و تکالیف زمینی از دیر باز مباحثات و مناظرات نظری را میان طرفداران و مخالفان در اقوام، ملل و ادیان در طول تاریخ رقم زده است. براین اساس کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن نیز مباحثات خاص خود را در این باره برای مسلمانان از صدر اسلام تا کنون فراهم آورده است. از جمله مسائلی که در این وادی حایز اهمیت است، مسأله کشف و استنباط احکام و مسائل سیاسی در زمان های مختلف است. این که از قرآن

\* دانش آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد علوم سیاسی.

می‌توان به چنین منظوری دست یافت یا خیر، متغیر اختلاف برانگیزی است که هر کدام از موافقان و مخالفان آن به استدلال‌های خاص خود تمسک جسته‌اند.

براین اساس می‌توان به سؤالاتی که در این باره مطرح بوده و هستند و همچنان در انتظار پاسخ به سر می‌برند اشاره کرد: آیا قرآن به عنوان برجسته‌ترین منبع از منابع اسلامی توان و امکان پاسخ‌گویی به مسائل و احکام روزانه انسان‌ها را دارد؟ آیا اصولاً قرآن در مقام پاسخ‌گویی به مسائل و احکام روزانه بوده است تا بر آن اساس مسلمانان در پی کشف مسائل زندگی خود باشند؟ آیا قرآن به سیاست و مسائل سیاسی مسلمانان توجه داشته است تا بر آن اساس، مسلمانان مسائل سیاسی خود را که غالباً مسائل مولود عصر خویش هستند، از آن اخذ و استنباط کنند؟ آیا با نصی یکسان از قرآن می‌توان مسائل و موارد کاملاً متفاوت و گاه متضاد را از آن کشف و اخذ کرد؟

براین اساس، یافتن پاسخ‌های فقهی از مرأ و منظر فقها در این باره، موضوع و محور مقاله حاضر است.

به تبع پرسش اخیر، می‌توان این سؤالات را مطرح کرد که فقه به مسأله اخیر چگونه می‌نگرد؟ آیا فقها به سؤالات فوق پاسخ مثبت داده‌اند و این پاسخ را از بدیهیات فرض کرده‌اند؟ یا آن که بر عکس، پاسخ منفی داده‌اند؟ آیا می‌توان احکام و تکالیف دینی مربوط به زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را از منابع فقهی به صورت عام (کتاب، سنت، عقل و اجماع) و قرآن به صورت خاص استخراج کرد؟ آیا منابع فقهی به صورت عام و قرآن به صورت خاص پاسخ‌گوی مسائل و احکام سیاسی روزانه هستند؟ دیگر آن که چه ارتباطی میان مثبت یا منفی بودن پاسخ به سؤال گذشته با جایگاه سیاسی عالم دینی هست؟

در کاوش و بررسی سؤالات فوق در میان آثار فقهی امامیه به اندیشه‌های متفاوتی بر می‌خوریم. اندیشه‌هایی که نماینده ایده‌ها و مبانی مکتب اخباری و اصولی است. در حالی که اصولیون چهار دلیل کتاب، سنت، عقل و اجماع را منابع فقهی اسلامی بر می‌شمرند، اخباری‌ها صرفاً کتاب و سنت را منبع فقهی تلقی می‌کنند. علی‌رغم اشتراک دو منبع کتاب و سنت میان این دو مکتب نگرش آنها به مسأله «پاسخ‌گویی قرآن به مسائل و احکام سیاسی» متفاوت است.

آیا ظواهر و الفاظ کتاب در حق ما حجیت دارند یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا انسان‌های غیرمعصوم، توان درک و فهم معانی قرآن را دارند یا آن که فقط معصومین چنین توانی را دارند؟ در این جا پاسخ این سؤالات را در قالب دو مکتب اخباری و اصولی بررسی و کاوش می‌کنیم.

## ۱. دیدگاه اخباری‌ها

با تأمل در آثار، علمای اخباری، می‌توان آنان را به دو مرام افراطی و میانه رو تقسیم کرد که از اندیشمندان برجسته افراطی، میرزا محمد امین استرآبادی است و از نمایندگان برجسته طیف میانه رو، علامه بحرانی را می‌توان نام برد.

### الف) اخباری‌های افراطی

استرآبادی در کتاب *فوائد المدنیه* در پاسخ به مسأله امکان فهم قرآن برای غیر معصوم و تکامل و اجتهاد در آیات آن برای دست‌یابی بر احکام شرعی و الهی می‌نویسد:

احکام نظریه شرعیه اعم از اصول و فروع خبر از طریق اهل عصمت علیهم‌السلام قابل درک نیستند و استنباط احکام نظریه از ظواهر کتاب و سنت نبویه صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا زمانی که وضع آنها (ظواهر) از طرف اهل ذکر (ائمه اطهار علیهم‌السلام) معلوم نگردد جایز نیست. در غیر این صورت توقف و احتیاط واجب است.<sup>۱</sup>

وی آن‌گاه با حرام دانستن اجتهاد در آیات و روایات معصومین یعنی ائمه اطهار می‌نویسد:

اجتهاد مجتهد در احکام خداوند اگر به خطا باشد تکذیب و افترا بر خداوند است و اگر به درستی باشد اجر و پاداشی ندارد.<sup>۲</sup>

به اعتقاد استرآبادی، انسان‌های غیر معصوم، خواه مجتهد و خواه غیر مجتهد، حق و شأنیت مراجعه به آیات و ظواهر قرآن را ندارند، چرا که اساساً خطابات قرآنی متوجه معصوم علیهم‌السلام است و کتاب خداوند به قدر عقول آنان نازل شده است،<sup>۳</sup> چون آنان اهل ذکر علیهم‌السلام<sup>۴</sup> و راسخان در علم<sup>۵</sup> و خزانه علم پیامبرند.<sup>۶</sup>

با این دیدگاه استرآبادی، اساساً عقول بشری غیر معصوم توان و صلاحیت فهم آیات قرآن را ندارند تا پی‌کشف احکام الهی برآیند. استرآبادی در ادامه می‌افزاید: از مدلول اخبار متواتر در مورد «حدیث ثقلین» می‌فهمیم که اگر به کلام ائمه علیهم‌السلام تمسک کنیم هم به کتاب خداوند عمل کرده‌ایم و هم به روایات وارده از عترت علیهم‌السلام زیرا راهی برای فهم مراد خداوند جز از طریق ائمه نداریم؛ آنها هستند که ناسخ و منسوخ و... قرآن را می‌شناسند. وی سپس هشدار می‌دهد که وارد شدن به کتاب خداوند جهت فهم احکام الهی به جز از راه آن که ائمه اطهار هستند، افتادن در خطا گمراهی است که به اختلاف فتوا و دروغ بستن به خداوند منجر می‌شود. سرانجام استرآبادی یاد آور می‌شود: این که انسان‌های غیر معصوم توان یافتن و دسترسی به احکام الهی را از کتاب خداوند ندارند به جهت قصور

و کوتاهی کتاب نیست، بلکه این قصور از ناحیه عقول مردمان است. وی آن گاه در تأیید مدعای خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: هیچ امری نیست که دو نفر در آن اختلاف کنند مگر آن که حکم آن در کتاب خداوند آمده است؛ عقل مردم بر آن نمی‌رسد.<sup>۷</sup>

شیخ حرعاملی از دیگر عالمان تند روی مکتب اخباری است. وی در کتاب *فوائد الطوسیه* - به پیروی از کتاب *فوائد المدنیه* استرآبادی نوشته - در علت عدم حجت ظاهر کتاب برای غیر معصوم می‌نویسد:

روایات مانعه از حجیت ظواهر کتاب بدون روایت و نصی که مفسر آن باشد - چه آنهایی که در باب قضا و وسائل الشیعه آورده‌ام و چه آنهایی که در جای دیگر جمع کرده‌ام - مجموعاً به دو بیست و بیست حدیث می‌رسد که از حیث سند دلالت تام دارند بر این که قرآن کریم دارای محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و عام و خاص است که جز ائمه علیهم السلام کس دیگری آنها را نمی‌شناسد؛ از این رو واجب است که به آنان رجوع کرد، چرا که به جز آنها کسی به تفسیر و تأویل و ظاهر و باطن کتاب را نمی‌شناسد.<sup>۸</sup>

وی در تأیید مدعای خود از حضرت علی علیه السلام روایت می‌کند:

کلام خداوند به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱ - دسته‌ای که عالم و جاهل می‌تواند آن را بفهمد؛ ۲ - دسته‌ای که تنها برای کسانی که دارای ذهن با صفا و احساس لطیف هستند قابل درک است؛ ۳ - دسته‌ای که جز خداوند و ملایکه او و راسخان در علم (ائمه اطهار علیهم السلام) کس دیگری توان درک آن را ندارند.<sup>۹</sup>

حر عاملی درباره عدم امکان دسترسی به احکام الهی از طریق آیات می‌نویسد:

آن دسته از آیات که مربوط به احکام نظری است تمامی آنها از قبیل قسم سوم است و دست کم احتمال دارد که از قسم سوم باشد و همین احتمال هم کافی است برای عدم استنباط احکام نظری از آیات احکام. این احتمال چگونه پدید نیاید در حالی که بسیاری از آیات نسخ شده‌اند بلکه اصولاً نسخ در غیر از آیات احکام وجود ندارد.<sup>۱۰</sup>

محمد حسین کرکی صاحب کتاب *هدایة‌الابرار*، دیگر اخباری تند رو است. وی همانند استرآبادی و حرعاملی معتقد است ناسخ و منسوخ، حکم و متشابه، مطلق و مقید... قرآن را فردی جز معصوم نمی‌تواند بشناسد؛ از این رو خطاب قرآن صرفاً متوجه ائمه اطهار علیهم السلام است. کرکی در این باره می‌نویسد:

آنچه از اخبار وارده از ائمه اطهار به دست می‌آید، منع و حذر مردم از تفسیر قرآن و کلام

خداوند بر ظواهر آن واستنباط و احکام است.<sup>۱۱</sup>

## ب) اخباری‌های میانه رو

علامه بحرانی صاحب *حدائق الناضره* از اخباری‌های میانه روست. وی در مورد استناد به ظواهر آیات برای استنباط احکام الهی در نزد اصولیون می‌نویسد:

في مدارك الأحكام الشرعية، و هي عند الأصوليين الأربعة: كتاب و السنة و الاجماع و دليل العقل... المقام الأول في الكتاب العزيز و در خلاف بين أصحابنا الأصوليين في العمل به في الأحكام الشرعية و الاعتماد عليه حتى صنف جملة منهم كتاباً في الآيات المتعلقة بالفقهية و هي خمسائة آية نمدهم.<sup>۱۲</sup>

بحرانی آن گاه به دیدگاه‌های افراطی و تفریطی برخی اخباری‌ها اشاره کرده و می‌نویسد:

اخباری‌ها در موضوع حجیت ظواهر کتاب راه افراط و تفریط را پیموده‌اند و برخی از آنان به حدی راه تفریط رفته‌اند که حتی می‌گویند معنای «قل هو الله أحد» هم بدون روایت از طریق ائمه علیهم‌السلام قابل فهم نیست، ولی برخی دیگر از آنان چنان راه افراط را برگزیده‌اند که نزدیک است که مردم و رعیت را با اهل عصمت در حل مبهمات و مشکلات قرآن شریک بدانند!

روایات مانع از نظر عدد بیشتر و به لحاظ دلالت صریح تر از روایاتی هستند که دلالت بر حجیت ظواهر قرآن دارند.<sup>۱۳</sup>

با عبارت فوق به نظر می‌رسد بحرانی نیز همانند استرآبادی، حرعاملی و کرکی مخالف حجیت ظواهر آیات است؛ اما وی در جمع بندی نهایی میان اخبار و روایات متعارض می‌گوید: محکمت قرآن بدون شبهه حجت است و قابل فهم و درک برای همه است و کسانی که ظواهر محکمت قرآن را حجت ندانند قول آنها جز زورگویی چیز دیگری نیست. بحرانی با این قول به استقبال تقسیم بندی معانی قرآن از دیدگاه شیخ طوسی می‌رود که این معانی چهار قسم است:

۱- آیاتی که علم به معنای آنها مختص به خداوند است و جز او کسی دیگر توان فهم آنها را ندارد، مانند قوله تعالی «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ»<sup>۱۴</sup>

۲- آیاتی که ظاهرشان مطابق معنایشان است. هر کسی که با لغت عربی آشنا باشد، می‌تواند معنای آنها را بفهمد، مثل «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله ألا بالحق...»؛

۳- آیاتی که مجمل است و ظاهرشان، معنای تفصیلی آنها را نمی‌رساند، مانند «اقموا الصلاة...»؛

۴ - آیاتی که دارای الفاظ مشترک بین دو معنا یا بیش از دو معناست. تفسیر این آیات بر عهده پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام است.

نتیجه گیری نهایی بحرانی در مورد آیات مربوط به احکام، این گونه است که بعضی از آیات محکومات درباره احکام هستند؛ از این رو استخراج احکام الهی و تعالیم دینی از میان آنها امکان پذیر است.

فیض کاشانی از اخباریانی است که انسان‌ها را قادر به فهم معنای قرآن می‌داند و کسانی را که خلاف این عقیده را دارند به کوتاه ذهنی متهم می‌کند:

کسانی که می‌گویند قرآن کریم معنایش قابل درک نیست، آنها در حقیقت از حد نفس و ذات خود خبر داده‌اند و سخن آنها درباره خودشان صادق است که آنها توان فهم را از دست داده‌اند؛ اما در این که سایر مردم را نیز به درجه خودشان تنزل داده و پایین آورده و گفته‌اند که آنها نیز توان فهم قرآن را ندارند، به خطا رفته‌اند.<sup>۱۵</sup>

سید جزائری در این باره می‌گوید:

این که برخی اخباری‌ها حجیت کتاب را به صورت مطلق نفی می‌کنند عملی بدون دلیل است، چون در قرآن «محکم» وجود دارد که اخذ احکام از آن جایز است.<sup>۱۶</sup>

### ادله اخباری‌ها بر عدم حجیت ظواهر کتاب

یکم، بنا بر اعتقاد علمای اخباری، فهم کتاب و معرفت به آن اختصاص به اهل بیت اطهار دارد و به جز آنان کسی عارف و عالم به آن نیست. اینان در این باره به آیات و روایاتی استدلال می‌کنند؛ از جمله «ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا»،<sup>۱۷</sup> «بل هو آیات بینات فی صدور الذین او توالعلم»<sup>۱۸</sup> و «قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم و من عنده علم الكتاب».<sup>۱۹</sup>

آنان همچنین با استناد به حدیث ثقلین «إنی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»<sup>۲۰</sup> استدلال می‌کنند که معنای عدم افتراق کتاب خدا و عترت رسول ﷺ در این حدیث به معنای وجوب مراجعه به ائمه اطهار برای کشف معانی کتاب است. اگر قرار باشد که بتوان برای کشف و استنباط احکام و تعالیم دینی رأساً به قرآن مراجعه کرد، در این صورت دیگر عدم افتراق معنا نمی‌دهد، بلکه بیانگر افتراق بین آن دو خواهد بود.

دوم، روایاتی که انسان‌ها را از تفسیر به رأی قرآن باز داشته است. حر عاملی در این باره حدیثی قدسی ذکر می‌کند:

قال الله عزوجل: ما آمن بي من فسر برأيه كلامي و ما عرفني من شتھني بخلقي؛ خداوند عزوجل فرمود: از من در امان نخواهد بود کسی که کلام مرا به رأی خود تفسیر کند و شناخته است مرا کسی که مرا به خلقم (مخلوقاتم) تشبیه کند.<sup>۲۱</sup>

سوم، وجود ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، خاص و عام، مطلق و مقید، مجمل و مفصل و تقدیم و تأخیر در آیات قرآن. از این رو استنباط احکام شرعی از قرآن که ویژگی‌های فوق را دارد، امکان پذیر نیست، مگر برای کسی که عالم به تمامی آن ویژگی‌ها باشد. بدیهی است که به جز انسان‌های معصوم کسی این توانایی را ندارد.<sup>۲۲</sup>

چهارم، کشف احکام و تعالیم دینی از قرآن به علم و یقین نمی‌انجامد، بلکه به «ظن» منتهی می‌شود. بنابر نظر اخباریان، شارع حکیم انسان‌ها را از عمل به «ظن» و «گمان» باز داشته است: «إن الظن لا یغنی من الحق شیئاً»<sup>۲۳</sup> و «لا تقف ماليس لك به علم».<sup>۲۴</sup>

### دیدگاه اصولی‌ها و رد استدلال‌ات اخباری‌ها

در برابر علمای اخباری که غالباً معتقد به عدم حجیت ظواهر کتاب هستند، اندیشمندان اصولی بر حجیت ظواهر آیات قرآن اعتقاد دارند. آنان با رد استدلال‌های اخباری‌ها به استدلال در حجیت ظواهر کتاب می‌پردازند.

شیخ جعفر کاشف الغطا از بزرگان مکتب اصولی است که مبارزات علمی و عملی زیادی در برابر اخباری‌ها داشت. در رد اولین استدلال اخباری‌ها، در کتاب الحق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئه الاخباریین می‌نویسد:

منع از عمل به ظواهر کتاب مگر به توسط ائمه اطهار علیهم‌السلام با آیات فراوانی که در کتاب وجود دارد تعارض دارد که قرآن عربی مبین است و کتاب هدایت و تبیان به سوی حق و صراط مستقیم است و بشارت می‌دهد مؤمنان را و انذار می‌دهد کافران را... و مذمت می‌کند کسانی را که در آن تدبیر نمی‌کنند همانا که قرآن برای تذکر است.<sup>۲۵</sup>

کاشف الغطا در ادامه چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

اگر که قائل به عدم حجیت ظواهر کتاب باشیم، چنین اعتقادی با «عجاز قرآن» منافات دارد. اعجاز قرآن به آن است که در تمامی زمان‌ها بیان‌کننده احکام برای مردم خواهد بود.

وی ادامه می‌دهد:

آیا با اعتقاد شما (اخباریان)، مسلمانان مورد تشنیع و اهانت سایر ملل نمی‌شوند که: آنان

۲۶ (مسلمانان) قرآنشان را نمی‌فهمند و از آن فایده‌ای نمی‌برند.

میرزای قمی نیز معتقد است مگر قرآن از باب نغز و معماست که کسی توان حل آن را ندارد مگر ائمه اطهار علیهم‌السلام.<sup>۲۷</sup>

در نهایت آن که الاعرجی می‌نویسد:

آنچه از روایات در تفسیر قرآن به دست ائمه وارد شده است مربوط به بواطن (بطون) است، اما نص و ظاهر بی‌نیاز از بیان آنهاست؛ آیاتی مانند «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ»... به چه تفسیری از ائمه نیازمندند.<sup>۲۸</sup>

علمای اصولی همچنین استدلال می‌کنند که روایات فراوانی عمل به ظاهر قرآن را جایز می‌دانند، حتی امر به رجوع به قرآن برای استنباط تعلیم دینی می‌دهند؛ بنابراین چنین روایاتی با روایاتی که اخباری‌ها ذکر کرده‌اند تعارض دارند.

آخرین استدلال اصولی‌ها این است که «ظنی» که از عمل به آن در آیات و روایات باز داشته شده، ظنی است که دلیلی بر جواز تبعیت آن نیست؛ اما آن ظنی که دلیل قاطع بر آن باشد، تبعیت آن اشکال ندارد.<sup>۲۹</sup> به علاوه ظن در اصول دین مورد اشکال است، اما در فروع دین اشکالی ندارد.<sup>۳۰</sup>

اندیشمندان اصولی پس از مناقشه در استدلال اخباری‌ها بر حجیت ظواهر قرآن، به «بنای عقلا» استدلال می‌کنند:

اول، بنا و سیره عقلا بدین صورت است که از کلام متکلم و گوینده سخن همان ظاهر کلام وی را مورد توجه قرار می‌دهند و به آن استناد می‌کنند دیگر احتمالات را نفی می‌کنند، بنابراین فرقی بین قرآن و سنت و غیر از آنها در این باره وجود ندارد:

فإنَّ ظاهر الكلام بیان و دلیل بوجوب العمل به و لافرق في ذلك بين كلام الكتاب والسنة و غیرهما.<sup>۳۱</sup>

دوم، شارع مقدس در تفهیم مقاصد خود و به کارگیری الفاظ از همان سبک محاوره عقلا تبعیت می‌کند، چرا که شارع هم خود از عقلا و بلکه رئیس آنهاست.<sup>۳۲</sup>

بنابراین امکان رجوع بر کتاب در جهت دستیابی به احکام وجود دارد، چون ظاهر آن حجیت دارد.



## قرآن و مسائل سیاسی و فقها

در آغاز سؤالات زیر را مطرح کنیم تا بحث روشن تر شود: آیا می توان قرآن را منبعی برای استنباط و کشف آموزه های دینی، احکام شرعی و احکام الهی دانست؟ آیا کتاب را می توان منبعی برای کشف و استنباط احکام مسائل و وقایع اجتماعی، به ویژه احکام مسائل سیاسی دانست؟

اخباری های افراطی با پاسخ منفی به سؤال اول، امکان هر گونه بحثی را راجع به کشف احکام الهی - شرعی مردود دانسته اند که به تبع آن، درباره سؤال دوم نیز نمی توان بحث را مطرح کرد؛ بنابراین اخباریان افراطی هر گونه دستیابی به احکام مسائل و وقایع اجتماعی به ویژه مسائل سیاسی را از طریق قرآن محال و غیرممکن می دانند، چرا که به اعتقاد آنان، اساساً عقل بشری (غیرمعصوم) از همان آغاز خلقت به صورتی آفریده شده که قاصر از دست یابی به معنا و ظواهر قرآن است. به این ترتیب کشف احکام مسائل سیاسی از قرآن، در گمان آنان همچون دیگر احکام الهی غیرممکن است.

اما اصولی ها و اخباری های میانه رو که حجیت ظواهر قرآن را برای انسان های غیرمعصوم نیز ثابت می دانند، به سؤال اول پاسخ مثبت می دهند؛ بنابراین قرآن خطابات خود را صرفاً متوجه معصوم علیه السلام نمی داند، بلکه تمامی انسان ها در تمامی اعصار قادر خواهند بود از قرآن برای کشف و استنباط احکام شرعی - الهی و تعالیم دینی سود جویند؛ از این رو احکام مسائل اجتماعی و سیاسی را می توان از قرآن استنباط کرد؛ البته در قلمرو و حوزه پاسخ گویی قرآن به مسائل سیاسی - همان گونه که خود اصولی ها در آن اختلاف دارند میان اصولی ها و اخباریان میانه رو نیز اختلاف وجود دارد. این اختلاف میان اصولی ها و اخباریان میانه رو به مسأله مهم به کارگیری و عدم به کارگیری «عقل» در استنباط و کشف تعالیم دینی بر می گردد که بحث از آن از حوصله این مقاله خارج است. در نهایت شایان ذکر است که تقسیم علمای امامیه به اخباری و اصولی در پی اخذ مسائل و احکام روزانه و از جمله مسائل سیاسی از قرآن، به معنای قبول یا رد به صورت مطلق نیست. در پی روش شناسی است که این تقسیم بندی ارائه گردید. براساس این روش شناسی، بستر سازی صورت می پذیرد که اصولی امکان رجوع مستقیم به قرآن را بدون واسطه روایات و به مدد عقل بر خلاف اخباری می یابد، هر چند چه بسا که برخلاف این بستر، برخی از اصولیون قرآن را اساساً در پی این مقام ندانند و یا آن که اخباری تر از اخباریین جلوه کنند.

در پایان مقاله این سؤال مطرح می شود که ارتباط جایگاه سیاسی عالم دینی با امکان یا عدم امکان پاسخ گویی کتاب به مسائل و احکام سیاسی به چه صورتی است؟ پاسخ سؤال فوق را این گونه

---

می‌توان داد که عالم دینی ای که قرآن را توانا و پاسخ‌گو به تعالیم دینی و از جمله مسائل سیاسی می‌داند، متصف به جایگاه خاصی می‌شود؛ جایگاهی که در آن عالم دینی با تکیه بر آن، کاشف و استنباط‌گر احکام و مسائل سیاسی از قرآن است. با برخورداری از چنین جایگاهی، او مفسر سیاست و مسائل سیاسی‌ای خواهد بود که از قرآن استخراج کرده است. از سوی دیگر، عالم دینی‌ای که برداشت و فهم تعالیم دینی و از جمله مسائل سیاسی را از قرآن را به جهت اختصاص خطاب قرآن به معصوم، امکان‌پذیر نمی‌داند طبیعتاً از چنین جایگاهی درباره قرآن و مسائل سیاسی برخوردار نخواهد بود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. محمد امین استرآبادی، *الفوائد المدنیة* (قم: دارالنشر للاهل البيت، بی تا) ص ۲۹.
۲. همان.
۳. همان، ص ۱۳۵.
۴. همان، ص ۴۱.
۵. همان، ص ۱۱.
۶. همان، ص ۴۷.
۷. همان، ص ۱۰۶.
۸. محمد بن حسن حرّ عاملی، *الفوائد الطوسیة* (قم: الطبعة العلمیة، ۱۴۰۳ق) ص ۱۶۳.
۹. محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعة* (قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق) ج ۲۷، ص ۱۹۴.
۱۰. همان، ج ۱۸، ص ۱۲۹.
۱۱. شهاب الدین حسین کرکی عاملی، *هدایة الابرار الی طریق الائمة الاطهار* (بی‌جا: بی تا) ص ۱۶۲.
۱۲. یوسف بحرانی، *الحدائق الناضرة*، ج ۱، ص ۲۷.
۱۳. همان.
۱۴. همان.
۱۵. یوسف بحرانی، *الدرر النجفیة* (قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ سنگی، بی تا) ص ۹۰.
۱۶. سیدمیرآقا محسنی، *تقدی بر اخباریگری* (قم: انتشارات دارالنشر، ۱۳۷۱) ص ۲، به نقل از: سید نعمت الله جزایری، *منبع الحیة*، ص ۲۴.
۱۷. فاطر (۳۵) آیه ۳۲.
۱۸. عنکبوت (۲۹) آیه ۴۹.
۱۹. رعد (۱۳) آیه ۴۳.
۲۰. سید میرآقا محسنی، پیشین، ص ۲۲۳، به نقل از: محمد بن یعقوب کلینی، *اصول کافی*.

۲۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۱۳۱.
۲۲. یوسف بحرانی، پیشین، ص ۶۱.
۲۳. یونس (۱۰) آیه ۳۶.
۲۴. اسراء (۱۷) آیه ۳۶.
۲۵. محمد عبدالحسن محسن الغراوی، مصادر الاستنباط بین الاصولیین و الاخباریین (قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ق) ص ۹۳، به نقل از: جعفر کاشف الغطاء، الحق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئه الاخباریین، ص ۱۸.
۲۶. همان، ص ۲۳.
۲۷. میرزا ابوالقاسم قمی، قوانین الاصول (تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا) ص ۳.
۲۸. سیدمیرآقا محسنی، پیشین، ص ۲۲۴، به نقل از: محسن کاظمی، وسائل الشیعه.
۲۹. محمد حسین اصفهانی، الفصول فی الاصول (بی جا: چاپ سنگی، بی تا) ص ۲.
۳۰. علی غروی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی (قم: دارالهادی للمطبوعات، ۱۴۱۰ق) ص ۹۱.
۳۱. محمد رضا مظفر، اصول فقه (قم: نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ق) ج ۲، ص ۱۱۰.
۳۲. همان.